



بازگشت به قانون اساسی  
اساسی قانون ته بیره راستیدل

حل مسأله انتخابات و رسالت ملی — اخلاقی حکومت و اپوزیسیون

در انتخابات ۲۰۱۴ و در شامگاه بیست و چهارم جوزا که دور دوم انتخابات در این روز برگزار شده بود، خبر از تقلب گسترده و سازماندهی شده، نشر شد. امرخیل رئیس دارالانشای کمیسیون انتخابات متهم به سازماندهی تقلب گسترده در انتخابات شد. و تعداد دیگر از کارمندان ولایتی و مرکزی کمیسیون انتخابات در تبتانی با او متهم شدند.

صفحه ۳

# انتخابات و توسعه سیاسی

نویسنده: عبدالمنعم مجرب

استاد اول

انتخابات به عنوان یک فرایند تصمیم گیری می تواند زمینه مشارکت سیاسی همگانی را فراهم سازد. اگر انتخابات یکی از راه های دموکراتیک برای تمثیل اراده افراد به شمار می رود؛ اما این پرسش نیز مطرح می شود که آیا هر انتخاباتی می تواند دموکراتیک باشد؟ پدیده ای است که نمی توان هر فرایند تصمیم گیری را دموکراتیک دانست. در خیلی از کشور ها انتخابات برگزار می شود و البته یه از مردم در آن شرکت می کنند؛ اما هیچ تغییری در نوع نظام سیاسی که بتواند زمینه توسعه سیاسی را فراهم سازد دیده نمی شود. در این نوشته با این پرسش روبرو می شویم که آیا انتخابات می تواند به توسعه سیاسی در جامعه بی انجامد؟

چرا دارد تا ابتدا تعریفی از مفهوم (انتخابات و توسعه سیاسی) ارائه دهم و سپس به پیوند این دو بپردازم.

انتخابات چیست؟

انتخابات یک فرایند تصمیم گیری رسمی است که طی آن مردم با بخشی از مردم برای اداره امور عمومی خود شخص یا اشخاصی را برای مقامی رسمی به مدت معلوم با ریختن رأی به صندوق های انتخاباتی بر می گزینند.

توسعه سیاسی چیست؟

توسعه سیاسی مفهومی است که پس از جنگ جهانی دوم وارد ادبیات سیاسی شد و از آن تعاریف مختلفی صورت گرفته است.

صفحه ۲



سرمقاله

## سخن نخست محور

وابستگی های سیاسی کمیسیون های انتخاباتی به دولت

دولت افغانستان به منظور مهندسی کردن و راه اندازی یک انتخاباتی پر از تقلب دوباره همان روش و رویکرد را روی دست گرفت که در گذشته سبب تقلب و مهندسی انتخابات گسوده بود. یعنی دوباره چهره ها و کسانی در رأس کمیسیون های انتخاباتی گماشته شدند که در تقلب و دستبرد آرای مردم افغانستان نقش داشتند. از طرفی دیگر فرمان تقنینی ایگه به اساس آن این افراد عمل خواهند کرد فرمانی است که در آن شورای امنیت ملی و رئیس جمهوری نقش کلیدی دارند و نهادهای انتخاباتی را مسوط به دولت ساخته است. چنانچه در این فرمان رئیس جمهوری صلاحیت دارد تا تمامی روسای کمیسیون های انتخاباتی را تعیین کند و شورای امنیت ملی صلاحیت به تعویق انداختن انتخابات را داراست. از طرفی دیگر کمیسیون های انتخاباتی صلاحیت و استقلالیت هزینه کاری خود را ندارند. در کنار این چالش ها، یک و نیم سال است که کمیسیون های انتخاباتی در راستای اصلاحات، ظرفیت سازی و آمادگی برای راه اندازی انتخاباتی دموکراتیک و نسبتاً شفاف کاری نکرده اند. ترک برداشتن و بسط دادن اختلافات ناشی از وابستگی کمیسیونر انتخاباتی به ریاست جمهوری در درون نهادهای انتخاباتی نیز نمونه دیگر از وابستگی مطلق این افراد به رئیس جمهوری و نهادهای دولتی است. به همه حال شورای تقاهم جریانهای سیاسی کسه تشکیل از بیرومندترین جریان های سیاسی در کشور است در نخستین موضعگیری خود علیه نهادهای انتخاباتی خواهان برکناری کمیسیونر کمیسیون های انتخاباتی شدند و به نهادینه شدن طرح نظارتی و اصلاحاتی در ساختار کمیسیون های انتخاباتی تاکید کردند. این جریان ها گفتند که افراد انتصاب شده از نشانی آرگ در نهادهای انتخاباتی وابستگی مطلق به آقای غنی دارند و بروسه انتخابات افغانستان خدشه دار و بی اعتبار خواهند ساخت.

صفحه ۲



انتخابات و توسعه سیاسی



چه کسی تعهد و منش دموکراتیک دارد؟



تولتایی او د حکومت پخ در یخ

## انتخابات غیر شفاف و ماجراهای آن

انتخابات افغانستان، در یک روایت عامه نرو، یکی از نشهر انگیزترین بحث های است که این روزها به وفور در اجتماعات و محافل سیاسی به حول و حوش آن پرداخته میشود. حکومت وحدت ملی، با کارنامه ی سه ساله، از سوی جریانهای فعال اجتماعی متهم به رفتار غیرقانونی و نقض کننده ی موافقتنامه تشکیل حکومت وحدت ملی است. گذشته از این، توقع میرفت پس از تنش هایی که در انتخابات سال ۲۰۱۴ شاهد آن بودیم، حکومت اراده ی استوار برای تضمین شفافیت انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری داشته باشد.



و با تمکین به این اصل که "بحران سیاسی باید قبل از وقوع مهار شود" به اصلاحات انتخاباتی تن در دهد. اما متأسفانه حکومت وحدت ملی، انتخابات پارلمانی را نا جایی که ممکن بود، به آینده نامعلوم موکول کرد و اصلاحاتی که در میکانیزم انتخابات آورده شد، برای مردم و جریان های سیاسی معنای جز "مدیریت انتخابات توسط حکومت و عدم استقلال کمیسیون انتخابات" را افشاده نمیکند. به ازباط مشروعیت یک نظام سیاسی با انتخابات و پیامدهای انتخابات غیرشفاف تغییر عادلانه. در ذیل این مجال کوتاه اشاره میشود انتخابات و مسأله مشروعیت: با پاسرسی آناسومی یک دولت دموکراتیک میتوان استنتاج کرد که مشارکت سیاسی شهروندان، از مهمترین فاکتورهای مشروعیت دولت است.

صفحه ۳

## به راتلونکو تاکنو باور؟

آنکه شرنگه چپی ملی یووالی حکومت و اساسی قانون خلاف بر مصلحتی جورشد دی او هم پکنی د ولس رابو ته د ارزشت پر خسای بهرئی سیاسی فشارونو نه لومسرتوب وړکنرل شو. په دې وروستو کې د ټاکنو کمیسیون مشر او ټاکنیزو شکایتونو کمیسیون کې د خپلو کسانو گوښه کېدل ددې ښکارندویې کوي چې په یادو کمیسیونونو کې چارې او گمارنې د ملي یووالی حکومت لخوا په داسې توگه ترسره کېږي چې باید دولو لورو ته د منلو وړو رضایت یې واخلې او دا رضایت بهطبیعی ده چې دراتلونکو ټاکنو کې د لاسوهنې او درغلی سبب کېږي او په ټولټاکنو او ولسواکي به شته باور نور هم گواښن کېږي دا په داسې حال کې ده چې دملی یووالی حکومت مشران په خپل منځي اختلافاتو بوخت، د ترسمنای پروخت د کړو ژمنو د پلي کېدا پر خسای پاتې اولاهم ډیری ادارې د سرپرستانو لخوا اداره کېږي. اوله بلې خوا په دولت کې د لاسوړو وچسارواکو لخوا د دولت پر ضد شرنگندویې هغه څه دي چې ولس پسې هم د ملي یووالی حکومت پر مشرانو او ددې دولت پر بېلای یې باور کړی دی. که څه هم په ټاکنیزو بنسټونو او کمیسیونونو کې وروستی یې باورې او گمارنې ددې لامل شوي دي چې ولس په ولسواکي او په ځانگړي توگه پر ټاکنیز بهیر لایې باوره شي، چې دا چاره به د ولسواکي بهیر گواښن او د حکومت او ولس تر منځ به یې ساورې لاریزه کوي. که د ملي یووالی حکومت مشران غواړي چې ولس په ټولټاکنو باورمنه شي نو په ټاکنیزو بنسټونو کې جدي پاملرنې ته اړتیا ده اوپه به وي چې دملی یووالی حکومت مشران له سیاسي مشرانو، رهبرانو او خواتانو سره په گډه د یوه رانه بهیر له لارې یاد بنسټونه هم وڅیاري او یې د گمارنو لپاره یې ټول منلی تصمیم ونیسي.

# انتخابات و توسعه ...

۱) رونالد جیکولوت نظریه های توسعه سیاسی را به سه بخش تقسیم می کند.

- آن دسته که توسعه سیاسی را ایدئوکراسی مترادف می دانند.
- آن دسته که بر تغییر و توسعه سیاسی تمرکز تحقیقاتی داشته اند.
- آن دسته که به تجزیه و تحلیل بحران ها و مراحل تسلسلی توسعه سیاسی پرداخته اند.

۲) **بایندر** نیز معتقد است که اگر کشوری قرار است به توسعه سیاسی برسد باید از پنج مرحله بحران بگذرد این پنج بحران عبارتند از: (بحران هویت، بحران مشارکت، بحران نفوذ، بحران مشروعیت و بحران توزیع) او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه یافته صنعتی از کشورهای در حال توسعه در آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت آمیز بحران های فوق به ویژه بحران های **هویت و مشروعیت** را پشت سر نهاده اند.

۳) **ساموئل هانتینگتون**: نیز مفهوم توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحریک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی مورد ارزیابی قرار داده و بر این اعتقاد است که در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش های جدیدتر ظهور می کنند بنابراین این نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت سیستم با بی ثباتی، هرج و مرج، و روبرو خواهد شد.

در این میان اما **۴) لوسین پای** دیگر دانشمند علوم اجتماعی، توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی می داند. با تعاریفی که از مفهوم انتخابات و توسعه سیاسی به دست آمد در می یابیم که انتخابات پیوند نزدیکی با توسعه سیاسی دارد و به عبارتی لازم و ملزوم یکدیگر پنداشته می شوند.



## پیوند انتخابات و توسعه سیاسی

با وجودیکه انتخابات در ذات خود زمینه ساز حضور و اهمیت دادن به آراء دیگران است که برآمد آن یک تصمیم مشترک سیاسی است؛ اما من باور دارم که هر انتخاباتی نمی تواند دموکراتیک و منضم توسعه سیاسی باشد. اما این را هم باید یادآور شوم که نوعیت انتخابات وابسته به نوع نظام سیاسی، قانون اساسی و فرهنگ سیاسی جامعه نیز هست که نباید آن را از نظر دور ساخت. باید میان فرهنگ سیاسی، نوع نظام سیاسی و حقوق اساسی مردم که در قانون اساسی هر کشور تجلی می یابد رابطه منطقی برقرار ساخت. سازش این سه می تواند موجب نهادینه شدن دموکراسی و توسعه یافتگی سیاسی در جامعه گردد. اگر جامعه ای به لحاظ فرهنگ سیاسی به درجه ای از دموکراسی و پویای سیاسی برسد به یقین نظام سیاسی مستبد در آن شکل نمی گیرد و اگر رژیم های مستبدی هم در درون این جوامع شکل گرفته باشد؛ از طریق تغییرات اصلاحی و با هم بنیادین دستخوش جابجایی و فروپاشی خواهند شد. از همین جهت است که حکومت های خود کلامه و توتالیتر سعی دارند تا از دموکراتیزه کردن جامعه و رسیدن به توسعه سیاسی از طریق مشارکت همگانی که از راه انتخابات شفاف و مردمی ممکن می شود به هر نحوی با روش های مختلف جلوگیری کنند که در

ادامه این نوشته به آن بیشتر خواهیم پرداخت. مهندسی سازی انتخابات با کارشویه های پنهانی یکی از برنامه های چنین حکومت هایی است که سعی دارند یا هر ترفند و روشی به آراء مردم دستبرد زده؛ نتیجه انتخابات را در ختم روز به نفع خود تغییر دهند یکی از تفاوت های اساسی نظام های مستبد سیاسی از نظام های مردم سالار اینست که دموکراسی در جوامعی که به توسعه سیاسی رسیده اند و مراحل بحران را پشت سر گذاشته اند بیشتر ارزش پنداشته می شود در حالیکه در اکثر کشور های توسعه نیافته و جهان سومی که به مدل های توسعه یافتگی غربی بدگمان هستند؛ دموکراسی رایج را به عنوان یک ارزش غربی و مدل توسعه یافتگی تک خطی که محصول فرایند تاریخی و فرهنگی این کشور ها است می دانند که نه تنها نمی تواند مشکلات فرا راه جوامع توسعه نیافته را بر طرف سازد؛ بلکه خود مانع توسعه یافتگی این جوامع پنداشته می شود. از همین جهت است که نهادهای ساختن دموکراسی در این کشور ها نیازمند فرایندی طولانی است تا ارزش های دموکراتیک بتواند به مرور در چنین جوامعی درونی شده و انتخابات نیز به عنوان یک اصل دموکراتیک نهادینه شود.

## ادامه از صفحه اول

در کنار این امر موجودیت فساد مالی در پروسه تدارکاتی کمیسیونهای انتخاباتی و نبود درایت برای ایجاد زمینه های دموکراتیک سبب شده تا شورای نظام جریان های سیاسی گزینه برکناری این افراد را به عنوان یکنه گزینه پیشنهاد کنند. هر چند دولت با شیوه دیکتاتوری و نطق سالاری در پاسخ به این جریان های واکنش جدی و عملی نشان نداده است اما دیده میشود ناپدید گرفتن شورای نظام جریان های سیاسی سبب میشود که مردم تست به پروسه مشارکت در انتخابات پیش روی بی اعتماد شوند. هر چند تحلیل این است که دولت در پی بهانه است و می خواهد که انتخابات مجلس نمایندگان کشور را به تعویق اندازد چیریکه در این زمینه گواهی است برای امر ساله نیرداشتن سه پیش زمینه های برگزاری انتخابات است.

چنانچه دولت تا هنوز بودجه و هزینه کمیسیون های انتخاباتی را فراهم نکرده است و آمادگی های تدارکاتی هم برای برگزاری انتخابات روی دست گرفته نشده است. کمیسیونهای انتخاباتی به جای تعمیر و ایجاد زمینه برگزاری تدارکاتی انتخابات در رقابت و اختلافات درونی خود مصروف اند. هر چند این اختلافات زمینه عدم اعتماد مردم را نسبت به اینها بیشتر کرد اما هنوز هم دولت بر سکوی مهندسی کردن انتخابات سوار است و مطرح میکند که این افراد مستقل اند.

در شکست انگیز ترین کنش کمیسیون انتخابات دیروز ما شاهد حضور یکی از احزاب سیاسی نشست رسانه ای کمیسیون انتخابات بودیم رهبر این حزب به جای سخنگوی کمیسیون انتخابات و رئیس منتخب آن، سه رسانه ها به پرسشها پاسخ میگفت. یعنی از همین اکتسون پیداست که کمیسیون انتخابات چه مقدار وابستگی به چهره ها و افراد دارند. حتی این جریان سیاسی به گونه عمل میکند که انگار افراد خودش در ساختن کمیسیون انتخابات حضور دارند. چنانچه این جریان سیاسی علیه موضع ملی و مردمی نظام اظهارات سیاسی افغانستان موضع گرفت و گفت که با این افراد گزینش شده در کمیسیونهای انتخاباتی میشود به طرف یک انتخابات دموکراتیک رفت.

ساله ای که برخلاف دیگر جریان های سیاسی است. همزمان با این امر افشای غبی از موضع حزب اسلامی استقبال کرد و مطرح کرد که از موضع این جریان حمایت می کنیم. در یک کلام باید گفت که از ساز و برگ ها پیداست که رژیم در پس مهندسی انتخابات و نهادینه کردن نطق است و تا به حال در سبب عملی سازی طرح مهندسی انتخابات و یکدست کردن آن به نفع خود کوشیده است. مهندسی انتخابات و ننگه کردن به نطق انتخاباتی از اجزای پیداست که کمیسیون های انتخاباتی و دولت هیچ تمکینی به اصلاح کمیسیونها و روند نظارتی از پروسه انتخاباتی ندارند و جریانهای بزرگ سیاسی و مردمی را بر ارزش تلقی میکنند درحالیکه اراده ششوزاری نظام جریان های سیاسی به منظور نهادینه کردن شفافیت در انتخابات یک امر فسادگر و مردمی است و دولت چهارده جزو تمکین به این طرح ندارد.

# تولتاکي او د حکومت پخ دریخ

لاړ هواره او خپلې ځمکې پکې خوندي کړي. په انتخاباتي کميونيونو کې خپل کسان په دندو وگماري په حکومتي پيسو ولايتي سفرونه او ليدنې کتنې وکړي او يو ځل يا هغه ناکامه انتخابات تر سره کړي چې په يې لا تراوسه افغانان ووکړي. سياسي گوندونه او جريانونه غواړي چې د انتخاباتو په کميونيونو کې دې بدلونونه را شي او حکومت دې له انتخاباتي مهندسي لاس په سر شي. دا بنگاره نه ده چې د کوم بېکټريزم له مخې راتلونکې تولتاکي تر سره کړي ځکه له امينې، بودجوي او مجبې ستونزو داسې ښکاري چې د راتلونکو ولسمشريزو او پارلماني انتخاباتو تر سره کيدل هم ناشوني کار دی خو د اوسني رژيم واکمنان په وار وار سره ټينگار کوي چې تولتاکي به تر سره کړي او د ټاکنو د اوسني کميوسن په وسيله به يې تر سره کړي. ښايې چې افغانان به يا ځلې د رابو صندوقونو خوا نه لاړ شي ټاکنې به وشي خو آيا يا به د ملي وحدت حکومت په غير د امريکايانو په متحکمونو يو حکومت را منځ ته شي آيا يا به هيواد له همدې ناوړين مره مخ شي؟ دا هغه پوښتنې دي چې د غواړولو لپاره يې بايد سر له اوسه لاري چاري ولول شي که نو يا به هماغه زورملا او زوي نسج وي.

رابعو مله دې وهل کړي او ان دا چې د رابو صندوقونو له نقلې رابو ډک شوي دي چې وروستو يې بيا رسيدو او يا هم تولتيزو ښکرو عسکونه خپاره کړي دي. که حکومتونه پر گڼل شوي او که هم د انتخاباتو کميونيونو که څه هم چې له ټاکنيز نقله را منځ ته شويو حکومتونو افغانان پر ټاکنو سخت يې باوره کړي او هيواد يې وړ زياتمن کړي دی خو تل ستونزه د انتخاباتي کميونيونو له کړنو راپورته شوې ده. خلک او سياسي جريانونه تور نه غواړي چې دا ټيروتي ټکر او پر ټاکنو مله دي ووهل شي. په کار ده چې وار دمخه د ۲۰۱۷ کال د ولسمشريزو او پارلماني انتخاباتو د تيروتنو د مخنيوي لپاره له همدا اوس څخه لاس په کار شو. اوس مهال افغانستان د يو څه غره پر خړلک په لور روان دی دغه هيواد له سترو سياسي، اقتصادي ټولنيزو او اميني ستونزو او ننگونو سره مخ دی. حکومت او واکمنان يې نه د اوسني اميني کړکېچ د حلولو لپاره کوم تدبير لري نه د اقتصادي ننگونو او سترو ستونزو د لوارولو په فکر کې دي او نه هم د سياسي را منځ ته شوي ناوړين د له منځه وړولو لپاره کوم پلان شته. له حالاتو داسې ښکاري چې يوازې او يوازې ددې رژيم مشران هغه کوي چې راتلونکو انتخاباتو نه

تولتاکي د ولسواکي پر مهم اصل او د مشروعيت د کتلو يوه آزموينه ده. دا په ټولې نړۍ کې

دود دی چې پوښتريگان د مشروعيت د لاسته راوړلو لپاره د ټاکنيزو هلو څلور په ترڅ کې ځانونه کانديدوي کيانيونه کوي خلک د رايې ووکړنې لپاره هڅوي له اقتصادي سرچينو کار اخلي او ځان واکمنوي يا يې قدرت نه رسوي بريالې تولتاکي هغه وي چې پکې نقلې نه کړي د خلکو رايو ته ښکاري نه کړي او د مشروع او قانوني نظام د را منځ ته کولو له پاره خلک د رابو صندوقونو نه ځي. دا هغه هيوادونه دي چې د پرمختگ ضمانت يې کړي ځکه هغه ولسواکي نه درناوي کړي او د هغې اصول په پام کې نيول کړي. دغه منله يو هره نه اوتيا لري چې نظامونه يې د ولس په وړاندې لري او هغه په پام کې نيسي. خو زموږ په هيواد کې هر ځلې تولتاکي تر پوښتنې لاندي ځي ولسواکي نه په کمه سترگه کتل کړي او د خلکو په



پوښتنه: حميده عثمان

# انتخابات غیر شفاف ...

سند: سخی خالد

شود که در این صورت تنش‌ها میان حکومت و مردم بر سر مسأله‌ی انتخابات با گذشت هر روز دو چندان می‌شود و تبعات این تنش‌ها برای مردم افغانستان زیان‌آور و جبران‌ناپذیر خواهد بود در یک کلام، آنچه در پی تنش‌هایی برخاسته از سماجت حکومت و پافشاری مردم در پیوند به اصلاحات انتخاباتی خواهد آمد به زبان صریح تر چیزی جز بحران نخواهد بود و این برای افغانستان تباه‌کننده است. و از وی بحران برای افغانستان یک معنای روشن را افاده می‌کند: راهی را که افغانستان در جریان چندین سال به سمت دموکراسی رفته است، به بیست می‌خورد و پیامدهای رنج‌آور آن برای افغانستان غیرقابل مهار است.

**جمع‌بندی:** با توجه به همه‌ی آنچه گفته آمدیم، به این نتیجه می‌رسیم که انتخابات به عنوان مسأله‌ی که در نظام‌های منسجم و دموکراتیک و در دنیای امروز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و مشروعیت دولتها با آرای عمومی دندگان مردم وابسته‌گی دارد. انتخابات، از مهمترین موضوعات دموکراسی و یکی از جنجالی‌ترین مباحثی است که این روزها در محافل سیاسی افغانستان مورد بحث قرار می‌گیرد. به منظور تأمین مشروعیت و نایل آمدن به توسعه رشد و ثبات، یک دولت بایستی اعتماد شهروندان را با خود داشته باشد که جلب اعتماد عمومی امکان‌نمی‌یابد مگر اینکه با دخیل‌سازی شهروندان در تعیین سرنوشت مشترکشان (انتخابات آزاد و قانونی) به اهمیت قدرت مردم اعتراف شود. ماجراهای که در پی یک انتخابات غیرشفاف روی دست شهروندان باقی می‌ماند، تلخ و شکننده و غیرقابل پیش‌بینی است. اگر انتخابات بشود و نتواند آنگونه که انتظار می‌رود، به شکل شفاف و در زمان مشخص برگزار نشود، حکومت وحدت ملی، کارنامه‌ی سیاسی را از خود به نمایش می‌گذارد. با افزایش تنش‌ها بر سر مسأله‌ی انتخابات و بحرانی‌شدن افغانستان، رهبران فعلی حکومت چهره‌های پلیدی را از خودشان در تاریخ به یادگار می‌سازند. با وضعیت شکننده و حساسی که وصف آن در رسانه‌ها و محافل سیاسی صورت می‌گیرد تلاش رهبران فعلی حکومت بایست این باشد که به یک داغ سیاه و تکیه بر پیشانی افغانستان مبدل نشود.

گذشت سه سال از کارنامه‌ی حکومت وحدت ملی و کارهای که صورت گرفته است، دیگر مشخص است که حکومت برای برگزاری انتخابات شفاف، صادقانه عمل نمی‌کند. حکومت در ابتدا، انتخابات پارلمانی را به دلیل آوردن اصلاحات انتخاباتی به تعویق انداخت و بعداً اصلاحات انتخاباتی طبق تمایلی رهبران حکومت وحدت ملی آورده شد که این مسأله مردم و تمامی جریان‌های سیاسی را نسبت به برگزاری انتخابات بدبین کرده است. بی‌طرفی کمیشن انتخاباتی از دیدگاه اپوزیسیون مورد تردید واقع است و قانون کمسیون انتخابات از دیدگاه اپوزیسیون مورد تردید واقع است و قانون اصلاح‌شده‌ی انتخاباتی مورد پذیرش مردم نیست. جریان‌های سیاسی ای که در جناح اپوزیسیون حکومت، زیر لوای "شورای تفاهم جریان‌های سیاسی" برای آوردن اصلاحات انتخاباتی شانه به شانه‌ی همدیگر ایستاده‌اند تا حکومت را وادار به ترحمی به آوردن اصلاحات انتخاباتی و پذیرش نقش نظارتی اپوزیسیون کنند. با توجه به همه آنچه در فوق ذکر شد، دو راه بیشتر برای حکومت وجود ندارد: اول، به خواسته‌های مشروع و قانونی که از جانب اپوزیسیون مطرح می‌شود وقتی گذاشته و شر ماجرا را با دادن نقش نظارتی به اپوزیسیون و دیگر گروه‌های دینفع کم کند و به برگزاری انتخابات غیرجانبدارانه سر تنظیم فرود آورد. دوم، نقش نظارتی اپوزیسیون را نپذیرد و به آوردن اصلاحات مورد انتظار در میکانیزم انتخاباتی اهمیت قابل



انتخابات شفاف و دلاله) حل شده است. روی ن لحاظ است که گفته شود، مناظرات قومی و ساس بیگانگی شهروندان در یک دولت دموکراتیک و سجم، بی معناست. در ورتیکه پروسه‌ی انتخابات، با ندسی تیم سیاسی حاکم ه عنوان بزرگ ترین ا سدی ترین تسهید خایات شفاف و عادلانه) اعتبار شود. دولت فاقد بروعیت خوانده می‌شود و نوشت یک دولت فاقد مشروعیت فروپاشی و تباهی است. حکومت وحدت ی، به منظور کسب مشروعیت نیاز دارد که به اراده‌ی مردم احترام بگذارد و با ندا به همین اصل انتخابات را به گونه‌ی شفاف و بی‌طرفی کامل برگزار کند. را این تأمین شفافیت انتخابات است که در فرهنگ سیاسی افغانستان، باعث نماد سازی می‌شود. تبعات زیان بار انتخابات غیرشفاف در افغانستان: با

# حل مسأله انتخابات و رسالت ملی...

سند: خانی ابراهیمی

می‌دارد و کمسیون‌های انتخاباتی که این روزها سندهای فسادشان سر به بازار کشیده با در نظر داشت تمام این مسائل و مسئولیت‌های که به عنوان شهروندان این کشور داریم، چه می‌توانیم؟

حل مسأله انتخابات افغانستان و برگزاری انتخابات شفاف، پذیرش نتایج آن توسط مردم و نهادهای بین‌المللی، تبدیل به رسالت ملی و اخلاقی تمام شهروندان افغانستان شده است. اراده جمعی مردم افغانستان نیاز است تا دوباره پروسه از طریق مجرای قانونی آن مورد بازبینی قرار گیرد از تعدیل قوانین انتخاباتی گرفته تا گزینش چهره‌های خوشنام و متخصص در کمسیون‌های انتخاباتی، نظارت بر روند استخدام، روند سروی، آمارگیری، تعیین محلات رای، توزیع اوراق رای دهی، تعیین زمان انتخابات و تمام مسائل مربوط به انتخابات، همه از مسئولیت‌های شهروندی هر شهروند افغانستان است. اگر امکان دسترسی به اطلاعات وجود داشته باشد، رسانه‌ها باید از تمام جریانات داخل کمسیون انتخابات باخبر باشند و به عنوان چشم ممیز جامعه نظارت کامل بر انتخابات داشته باشند. از آنجایی که مردم همه نمی‌توانند در این امر سهیم باشند، هم دولت، هم اپوزیسیون سیاسی، نهادهای جامعه و احزاب و نهادهای بین‌المللی برای ایجاد شفافیت، ایجاد یک روند نظارتی کارا و موثر، برگزاری انتخابات به موقع تعیین شده آن، مسئولیت بگیرند تا باشد که از این روش به عنوان یک روش بهتر و آزموده‌تر، بتوان به بسیاری از مسائل پاسخ درخور ارائه کرد و مسائل کلان ملی را حل و فصل کرد. حالا انتخابات افغانستان تبدیل به یک بحران ملی شده است که حل آن و رضایت مردم و کسب اعتماد مردم دشوار به نظر می‌رسد. بیش از همه، اپوزیسیون مسئولیت دارد تا به طور جدی و مستمر مسائل مربوط به انتخابات را پی‌گیری باشند و نگذارند دیگر با آبروی ملی ما بازی شود. آیا اپوزیسیون حکومت وحدت ملی این توانایی را دارد تا حکومت وحدت ملی را وادار به پاسخگویی و مسئولیت پذیری کند و مردم را نسبت به انتخابات اطمینان دهد. چشم انتظار گلر زمان می‌مانیم.

امریخیل به عنوان متهم اول، از سوی بسیاری از شهروندان افغانستان مورد ستایش قرار گرفت. بر سر او لنگی بستند و قهرمان ملی لقب گرفت. دقیقاً در همین نکته متوجه می‌شویم که درک مسأله انتخابات و رسالت‌های ملی و اخلاقی آن درک نشده بود و کسانی که باید به جرم خیانت ملی به زندان انداخته شوند و کیفر اعمال خود را ببینند، امروز پرغرورتر از همه راه می‌روند و سرشکته‌ای خود را با لنگی پهن‌کننده بالا می‌گیرند. چه نم دارند که یک ملت را سرشکسته کرده اند!

حالا، بحران روی بحران افتاده است. مشروعیت قانونی و سیاسی حکومت و

حدت ملی زیر سوال است. بیش از 60 درصد خاک کشور در اختیار گروه‌های تروریستی قرار دارد. اقتصاد برشکسته و بحران بیکاری، مهاجرت و پروژه‌های ناتمام اشراف غنی، افغانستان هنوز به شاهراه توسعه آسیا بدل نشده است. برگزاری انتخابات پارلمانی با مشکل مواجه شده و بعید به نظر می‌رسد که در زمان تعیین شده آن برگزار شود. حامدکرزی خواهان برگزاری لویه جرگه است و "شورای تفاهم جریان‌های سیاسی" کمیشنران و مدیران ارشد کمسیون‌های انتخاباتی را قبول ندارند. امنیت بیش از حد شکننده شده و آمریکا برای حل کردن تمام این مسائل فقط 5 هزار سرباز به افغانستان می‌فرستد اشراف غنی می‌ماند و بحران‌هایی که به قول خودش او را آرام نگه

از جمع 23 هزار مرکز رای دهی، شش هزار مرکز از سوی تیم‌های انتخاباتی و لمان بین‌المللی مورد شک و تردید قرار گرفت اما کمسیون شکایات خاباتی فقط به نقیض و بازبینی آرای 1930 محل رای‌گیری پرداخت. سینطور جابجای در آمار و ارقام زیاد است. به نظر می‌رسد که مرور این آمار ارقام چندان اهمیت ندارد. آب که از سرگذشت، چه یک نیزه و چه صد نیزه آنچه مهم است که به آن پرداخته شود، مسأله از دست رفتن اعتماد مردم ناستان به انتخابات به عنوان سازوکار نهادینه سازی مردم سالاری است. خایات بدون نتیجه ماند و در یک توافق سیاسی "حکومت وحدت ملی" کل گرفت. مشروعیت سیاسی و ونی این حکومت مورد پرسش قرار فت و در زدو بندهای درونی گیر ند. مسائل کلان ملی به فراموشی ته. انتخابات شورای ملی برگزار نشد. الا مسئولیت ما چیست؟ و چگونه توان اعتماد مردم به انتخابات را گرداند؟

خایات 2014 افغانستان به لحاظ میت سیاسی و تاریخی آن مورد چه همگان بود چه در سطح ملی و ه در سطح منطقه و جهان همه شم به این انتخابات داشتند برای ین بار در تاریخ سیاسی افغانستان قان قدرت به صورت مسالمت آمیز و با رای مردم صورت می‌گرفت. برای لت افغانستان مهم بود چون که مدیریت انتخابات بعد از انتقال سولیت‌های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغانستانی، دست آورد ن به حساب می‌آمد و کسب اعتماد حمایت کنندگان خارجی افغانستان. لت آقای کرزی به لحاظ علمی و عملی خود را برای مدیریت انتخابات آماده دید و به همین سبب بود که رسالت ملی و اخلاقی آن را نیز به عهده فته بودند. به هر روی این انتخابات به چالش کشیده شد و آن نتیجه‌ای که ش بینی شده بود را به دست نداد. کسانی که در این انتخابات دخیل بودند متهم به تقلب گسترده شدند، مورد پیگرد قرار نگرفتند که هیچ، بلکه





# نقش امنیت بر تأمین دموکراسی در افغانستان

## عناصر تهدید کننده دموکراسی در افغانستان

۱. وجود عناصر ضد دموکراتیک- اقتدار گرا و مستبد در رأس و بخش های مهم اقتصادی و امنیتی کشور؛
۲. حکمرانی بد و فساد الود حاکمان قدرت طلب و خریص، احتمال از هم پاشی جملیه اجتماعی و امنیتی کشور را به بالا ترین حدش رسانده است؛
۳. سیاسی نمودن نهاد های امنیتی هشدار بسیار خطر ناکی هم برای دموکراسی



## ایمپد افغانستان هم برای امنیت

باموجودیت سازمان های تروریستی و شبکه های بنیاد گرای ملی و فراملی بوده و می توانست کشور را از این هم بد ترجه آشوب بکشاند؛

۴. مساعد نمودن بستر و زمینه مداخله برای بیگانه گان در امور کشور ما با اتخاذ سیاست های سلیقه صفت، سبب جنگ های نیابتی، رقابت و دشمنی دولت های هژمونی طلب شده و حلقه را برای دموکراسی و امنیت در کشور تنگ کرده است. مداخلات غیر روشمند سران حکومت وحدت ملی در امور امنیتی از یک طرف، سیستم دفاعی کشور را منحرف ساخته و از جانب دیگر مورال را در میادین محاربه با مخالفین مسلح و تروریستان منحیت یکی از برسیب های مهم جنگ در صفوف لوی مسلح ضعیف و میزان تلفات سربان دلیر ما را به بالا ترین حد رسانده است. بدون گمان تأمین امنیت و تحقق دموکراسی در افغانستان با توجه به ملاحظات سیاسی، وابسته به ابتنا و رشادت پیش قراولان مان در صف محاربه است.

۵. نا زمانیکه سران حکومت وحدت ملی دست از نسبت و دخالت در امور نهاد های دموکراتیک مانند کمیسیون های انتخاباتی و نهادهای امنیتی بر ندارند، و به جای آن سیاستی سازنده نگریند، مشکل با دموکراسی و در پی آن تهدید بالقوه و بالفعل امنیت افغانستان از داخل و بیرون باقی خواهد ماند.

شود بنا دموکراسی در فضای سازمان مند می تواند آن مراحل پختگی خود را طی کند از طرفی این را نمی توان نادیده گرفت که بدون حکومت و قانون، شهروندان از رفتار دیگر شهروندان مطمئن نبوده و احساس امنیت نمی کنند. با نأسف که ما می آن حکومت را با مشروعبت بالا داریم و بی امنیت به مفهوم وسیع کلمه که بتواند دموکراسی را به مرحله قوام و دیام اش برساند وجود ناراضی های درونی به ویژه در بین ریاست اجراییه و ارگه انحصار قدرت در یک محل خلاف موازین دموکراسی، منازعات ویران گوتیزی به اساسی تبدیل به اهرمی برای عدم تحقق دموکراسی با باید هایش در افغانستان شده است. از جانب این نا سامانی

های فرسایشی بستر را برای مداخله گرگهای خون آشام که در پیسار و پمن این کشور موقعیت دارند شده و دست آورد های که برای حصول آن هزاران تن شهید دادیم در برنگاه فنا قرار داده است. فقدان امنیت در عرون در گستره های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی افغانستان، نمایان شده و ستون فقرات دموکراسی تیم بند را در کشور خم ساخته است. یقیناً قصاد قراگیر در اکثریت سطوح سیاسی و بخش های استراتژیک امنیتی به مثابه ویژگی حکومت های خود کلمه باید های مردم ما را در امر تأمین عدالت و تحقق دموکراسی را به پاس میدل ساخته است در چنین حالتی شهروندان از نظام وحشت زده و نظام از شهروندان هراسناک است. مادامی که این وضعیت ناگوار موجود به صوب عدالت و منافع شهروندان تغییر

میکند که زنان و مردان، متحدانه برای اصلاح سیاسی و بقای دموکراسی به خند لوان خود در حول محور و اهداف متعارف ملی سعی و تقوی روشمند کنند با توجه به رویکرد های سلیقه گرایانه سران حکومت وحدت ملی، مشروعبت داخلی در پایین ترین سطح خود رسیده است. استمرار روابط خارجی در عوفی سیاست خارجی و مشروعبت بیرونی را جایگزین مشروعبت درونی کردن، جفای بس بزرگ بر حق سی میلیون شهروندی است که از دست فقر و تهی دستی فرزندان خود را می فروشند. روابط خارجی معطلوف به منافع فردی، اعتبار و عزت سیاسی افغانستان را به سطح جهل به معامله قرار داده است حکومت کنونی که فاقد اعتماد به نفسی کالی در درون و بیرون هست- بپوسته خود را در محاصره گسالی قرار داده که بی تعهد به خاک دارند و بی تعهد به دموکراسی و مولفه های ملی.

وابستگی که یک تعداد از سران حکومت با مخالفین در مراکز داخلی و خارجی شان دارند، از یکسو وجود دشمن در میدان متنازعه وسیله حفظ مشروعبت و بقای خود در جوگی دانسته و از دیگر سو دشمن را در جایگاهی قرار می دهند که بتواند هستی مخالفین سیاسی شان را به خطر اندازد. مسلماً در صورت دوام این وضعیت، ضعیف ترین و ضربه پذیر ترین حلقه در این میان مردم- به ویژه زنان و آرزو های مردم سالار مانند دموکراسی است

امنیت در حقیقت روح دموکراسی را در یک کشور دموکراتیک شکل می دهد، امنیت بزرگترین خواست و نیازی اساسی است که در یک کشور و جغرافیای مستقل مانند افغانستان حایز اهمیت تلقی میشود. بی گمان برای تحقق روشمند نیاز های اولیه و ثانویه انسان ها در حول دموکراسی، به یک سری مقرانی برای تنظیم روابط درونی و بیرونی یک جامعه نیاز است، آنچه که می تواند از رهگذر ذهنی و عینی متضمن خواست های مردم ما در برتوت دموکراسی باشد، بدون گمان تقویت حضور سامانمند خاتم های پاک طبیعت در نهاد های فعال دموکراتیک است. مبنای کارمان در جریان محور مردم افغانستان این است که زن و مرد در یک ردیف ایفی و تشریک مساهمی هدفمند، گام های عملی و استواری را به حد توان در جهت بستر سازی برای تحقق دموکراسی در افغانستان برداریم. یقیناً دموکراسی یک روند است فرجام نظرمندی که روند دموکراتیک در کشور، منوط بر تحركات منصف محور یک دولت- ملت قوی و باور مند به دموکراسی است. دولت ها متکلف اند که امنیت وزینه های تحکیم آن را در برتوت ارزش های دموکراتیک برای شهروندان خود مساعد کنند، بدون شک تأمین امنیت و تحقق دموکراسی سبیل انترابی نیست که بتوان با توسل به شعار های بویولستی و بدون تحرك بدان رسید. اگر چنین باشد یعنی شمار تقدم بر عمل داشته باشد، نظمیباً سامانه اعتماد شهروندان بر دولت و مسوولین امور از تعادل خارج شده و برای ساکنین افغانستان دستمای به امنیت نسبی در روشنایی دموکراسی به یک رویا میدل خواهد شد. در صورت دوام روند عوام فریبی سران حکومت وحدت ملی بدون شک امنیت نسبی موجود هم در بعضی از ساحات از جمله شهر های بزرگ کشور در ایجاد گوناگون اش به مخاطره خواهد افتاد و بحران بی اعتمادی بین شهروندان و حکومت مطاعت و غیر کنترل خواهد شد. بر این اساس به روایتی می توان دموکراسی را در برتوت امنیت و قانونمدی با تشریک مساهمی همه افشار جامعه بدون در نظر داشت جنسیت در مقام عمل پیاده و جو را برای تأمین عدالت همگانی، مساعد ساخت. شهروندان در یک کشوری مانند افغانستان زمانی می توانند از مزایای های دموکراسی بهره مند شوند که مسوولیت فریبگی را به مفهوم وسیع کلمه داشته باشند. یکی از مولفه های مهم که موجب رشد دموکراسی در یک جامعه میشود، ایجاد بستر ذهنی و عینی برای تعمیم و تسریع آرزو ها و انتظار های دموکراتیک یا حضور فعال زنان و مردان در میادین سیاسی و مدنی است. یک شهروند که هتازها و موفقه های دموکراسی را قبول کرده باشد، باید مطمئن شود که دیگر هم نوعان اش هم مفرات، قوانین و فرار داد های اجتماعی را رعایت می کنند و اگر نکنند مرجعی نیرومند تری هست که با رویکرد دموکراتیک عدول کننده گان از موازین دموکراسی را بتواند به نمکین وادارد بدون شک این مرجع منعم در کشور های دموکرات، دولت ها هست؛ اما با نأسف در افغانستان با توجه به مسوولیت گریزی گراف صمودی قدرت، تا این دم دموکراسی به تها معلق است بلگی با رویکرد خیلی ننگین گاهی به بازی گرفته و گاهی ترور میشود! در حالیکه دولت خود به عنوان نماینده گل جامعه باید پایبند به قراردادهای دموکراتیک درونی جامعه و بیرونی نسبت به دیگر جوامع باشد. یقیناً در یک جامعه دموکرات اخلاص و بی نوجهی از هر طرفی که باشد یا شهروند باشد و یا دولت در هر یک از این روابط اجتماعی به درجات مختلف باعث از دست رفتن امنیت درونی یا بیرونی می

# محور مردم افغانستان

بازگشت به قانون اساسی  
 اساسی قانون ته پیره راستنیدل

